

عقیقه و آذان در کوش طفل نوزاد



Ketabton.com



۱۳۹۷

تبیع و نگارش:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسئول مرکز فرهنگی حقوق لاره - چرمنی

www.masjed.se

سازمان

دیزاين: الماجع محمد شاه (پيماي) سويدن

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

عقیقه و احکام آن:

صاحب مختار الصحاح می فرماید: عقیقه و عقہ بکسر (ع) معنی موئی است که بهنگام ولادت نوزاد انسان و حیوان بر بدن او است و گوسفندیکه برای نوزاد

در اولین هفته ولادتش ذبح می شود، بدان نامیده شده است.

عقیقه به نزد اکثریت از علمای اسلام سنت مؤکد ه است ولو که والدین فقیر و تنگ دست هم باشند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و یارانش برای فرزندان شان عقیقه کرده اند.

صحابان سنن روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هریک از نواسه های خویش، حسن و حسین فرزندان علی بن ابی طالب قوچ عقیقه کرده اند. لیث و داود ظاهری عقیقه را واجب می دانند. احکام عقیقه چون احکام قربانی است به فرق اینکه در عقیقه مشارکت جایز نیست.

عقیقه در زندگی خانوادگی از مهمترین مسائل که باید والدین (پدر و مادر) به آن اهتمام و توجه کامل داشته باشند. مسئله تربیت و آموزش علم و دانش و ترویج و تطبیق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به خانواده واز آنجله به فرزندان است.

پدر و مادر باید به فرزندان صالح و نیکوکار خویش شخصیت داده و احترام گذارند، از مصاديق اعانت و یاری فرزندی بر نیکوکاری این است که پدر و مادر از دوران کودکی، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهیا نمودن محیط سالم، زمینه را برای رشد و تکامل آنان آماده و مساعد نمایند. چرا که کوچکترین رفتار و گفتارشان در نوزاد تاثیرگذار می باشد.

در دین مقدس اسلام و تعلیمات اسلامی تربیه از همان بدو تولد آغاز می گردد. از اذان و اقامه گفتن در گوش طفل گرفته ، تا انتخاب نام نیک و با مفهوم برای وی، بخرچ دادن سعی و تلاش برای رشد و مراقبت همه جانبی از طفل ، فراهم ساختن تربیه سالم و مفید و آموزش های لازم و مفید و رشد و شکوفایی خصلت های پاک انسانی در او از جمله امور وظایفی است که دین مقدس اسلام و شرعيت غرای محمدی برآن حکم فرموده است همچنان عقیقه از جمله امور ایست که دین مقدس اسلام برآن هدایت و دستور فرموده اند. عقیقه عبارت از ذبیحه ای است که از: کشنن گوسفند یا هر حیوانی دیگری که صلاحیت قربانی کردن را داشته باشد، برای طفل نوزاد و بجای او ذبح می شود ، به یاد داشته باشید جهت حفظ فرزند از بلاها، پرداخت قیمت عقیقه کفایت نمی کند.

فضیلت عقیقه:

صحابان سنن از سمره از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده اند که گفت: «کل مولود رهینه بعقیقته تذبح عنه یوم سابعه ویحلق ویسمی» پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در گرو عقیقه ای است که بجای او ذبح می شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را می تراشند و او را نامگذاری می کنند).

(نام گذاری خوب یکی از مسائل مهم ارج گذاری برای طفل و بحث مهم و مستقل است

که در مورد به تحقیق جدا گانه خواهیم پرداخت).

همچنان در حدیثی از سلمان بن عامر ضبی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «الغلام عقیقته، فأهلیقواعنه دما، وأمیطوا عنه الاذی» (عقیقه نوزاد پسر با وی است پس برایش خون بریزید یعنی بجائی او گوسفندی ذبح کنید والودگی و نجاست را ازاودور کنید). (بروایت پنج نفر از اصحاب صحاب).

عقیقه پسر دختر:

مطابق حکم حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نیکوترا آنست که برای طفل نوزاد پسر دو راس گوسفند نزدیک بهم از نظر شباht و سن و برای نوزاد دختر یک راس گوسفند ذبح شود.

ام کروز کعبی گفت: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می گفت: «عن الغلام شاتان متکافئتان وعن الجارية شاة» (بجائی نوزاد پسر دو گوسفند قریب بهم دررنگ و سن و بجائی نوزاد دختر یک گوسفند سرببرید و عقیقه کنید).

و یک گوسفند هم بجائی پسر کفايت می کند چون پیامبر صلی الله علیه وسلم برای هریک از حسن و حسین چنین کرد طوریکه قبل از بیان گردید. در مورد اینکه چرا برای پسر باید دو گوسفند قربانی شود و برای نوزاد دختر فقط یک گوسفند، حکمتش امام ابن قیم جوزیه در کتابش «تحفة المودود» این چنین توصیف کرده است که: «وشرع في المذبح عن الذكر أن يكون شاتين إظهاراً لشرفه وإباحة لمحله الذي فضله الله به على الأنثى، كما فضلته في الميراث والدية والشهادة»، یعنی: (و خداوند برای نوزاد پسر ذبح دو گوسفند را مشروع کرده است بعلت نشان دادن شرف و برتری جنس مذکر بر مؤنث، همانگونه که او را در مسائل میراث و دیه و شهادت بر مؤنث برتر ساخته است) . والله اعلم

عقیقه مستحب است یا واجب:

علماء در مورد اینکه حکم عقیقه در شرع اسلامی مستحب است و یا واجب، سه قول معروفی را در این مورد ارائه و بیان فرموده اند:

برخی از علماء می فرمایند که: حکم عقیقه در شرع اسلامی واجب می باشد ، برخی دیگری از علماء بر مستحب بودن عقیقه در شرع اسلامی حکم می کند ، و برخی دیگری از علماء از جمله امام صاحب شافعی و امام صاحب حنابل بین نظر اند که عقیقه از جمله سنت مؤکده می باشد ، و این قول ارجح هم می باشد . زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «مَنْ وُلَدَ لَهُ وَلَدٌ فَأَحَبَّ أَنْ يَنْسُكَ عَنْهُ فَلْيَنْسُكْ، عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَانِ، وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةً» أبو داود (2842).

یعنی : «هر کس صاحب طفل شد، و دوست داشت برای او ذبح کند؛ پس برای پسر دو گوسفند یکسان و برای دختر یک گوسفند ذبح کند».

علامه عبد المحسن عباد در «شرح سنن ابو داود» گفته : «از ظاهر این حدیث اینگونه برداشت می شود که عقیقه واجب نباشد».

علماء هیئت دائمی افتاء نیز گفتند : «عقیقه سنت مؤکده است، برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح می شود، و در روز هفتم (تولد) ذبح شود، و اگر از روز هفتم به تأخیر افتاد جایز است در هر وقتی آنرا ذبح نمود، و بعلت تأخیر آن گناهکار نمی

شود، هر چند بهتر است تا جاییکه ممکن است آنرا زود انجام داد» «فتاوی اللجنہ الدائمة (11 / 439).

بادرنظرداشت حکم ادای عقیقه که در بین فقهاء مورد اختلاف می باشد ، اما با این وجود هیچکدام اختلافی بر سر این مسأله ندارند که انجام عقیقه بر فقیر واجب نیست چه رسید بر انسان قرضدار ، چرا که حتی انجام حج - که از عقیقه مهم تر است - بر پرداخت قرض پیش نمی افتد.

وقت ذبح عقیقه:

احادیثی که درباره عقیقه روایت شده است اشاره به این داردکه باید عقیقه در روز هفتم، روز ولادات ذبح شود. بعضی از اصحاب گفته‌اند: اگر در روز هفتم این کار صورت نگرفت روز چهاردهم، اگر باز هم در روز چهاردهم صورت نگرفت ، باید در روز بیست و یکم، اگر آن روز هم از دست رفت، هر وقت که امکان داشت، این کار را انجام دهد ، حتی اگر شده بعد از یک ماه، چند ماه، یک سال و حتی چند سال.

برخی از علماء بر این امر معتقد اند : زمانیکه طفل به سن بلوغ رسید حکم عقیقه ساقط می شود. و عده‌ی دیگر بدین باور آند که اگر عقیقه شخصی صورت نگرفته بود ، خود شخص هم میتواند عقیقه خویش را ادا کند، ولی در این‌باره دلیل محکم و صحیح وجود ندارد. به همه حال اگر امکان ذبح در آخر هر هفته‌ای وجود داشت بهتر است. اگر این کار سخت بود، تعجیل آن در هفته‌های اول و دوم ایرادی ندارد.

حکمت کلی در امر عقیقه وجود دارد بی نهایت عالی و ذی فهم است ، برخی از این حکمت‌ها را می‌توان در نقاط ذیل جمع‌بندی و خلاصه نمود :

- آنچه که به طفل بر می‌گردد. مثل دعا کردن که در دعای عقیقه وجود دارد، و اجرای عقیقه در واقع قربانی برای این طفل است .

- آنچه که به فقرا در امر عقیقه بر می‌گردد و ما می‌بینیم که به تبعیت اسلام در این قضیه اطعام و تصدق به فقرا صورت می‌گیرد و این همان چیزیست که مطلوب دین و مورد تأیید آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است .

- آنچه که به مسائل اجتماعی بر می‌گردد و از مستحبات دعوت مؤمنین است(اعم از فامیل و سایر مسلمانان) طوریکه دین مقدس اسلام به دعوت مؤمنین و زیارت کردن همدیگر و رابطه محبت آمیز و انس و الفت سفارش کرده است و در این ملاقاتها اهداف فوق الذکر تحقق می‌یابند.

- آنچه به مسائل عاطفی بر می‌گردد، اینکه خانواده طفل مورد توجه قرار می‌گیرند و مردم در خوشحالی آنان شرکت نموده ، آرامش و دلگرمی پیدا می‌کنند .

- علاوه از اینکه عمل عقیقه یک نوع شکر گزاری از پروریدگار با عظمت برای نعمت صاحب فرزند شدن، است. نعمتی که گویی در نعمت‌های دنیا همتا ندارد.

توزيع گوشت عقیقه:

در مورد اینکه احکام توزیع و مصارف گوشت عقیقه مثل گوشت قربانی می‌باشد علماء نظریات مختلف و متفاوتی دارند .

برخی از علماء و فقهاء بدین نظر اند که: احکام و مصارف گوشت عقیقه مانند قربانی است، بنابراین مستحب است آنرا به سه قسم تقسیم نمود و یک قسمت را برای خود، قسمت دیگر را بین نزدیکان و دوستان توزیع نمود و باقیمانده را بین فقراء توزیع نماید.

برخی دیگر از اهل علم گفته اند: عقیقه مثل قربانی نیست، و لذا می توان با گوشت آن هرگونه که خواست عمل کرد.

امام ابن قدامه می گوید: «روش (استفاده از گوشت عقیقه) در خوردن و هدیه دادن و صدقه کردن آن؛ همان روش قربانی است .. و این رأی امام شافعی نیز میباشد . ابن سیرین گفته: با گوشت آن هرگونه خواستی عمل کن . ابن جریح اظهار نموده که: گوشت آنرا با آب و نمک طبخ کن و بین همسایگان و دوستان پخش کن و چیزی را صدقه مده . و از امام احمد در این باره سوال شد او در جواب حکم وجواب ابن سیرین را تائید نمود ، و این دلالت می کند که ایشان بر نظر ابن سیرین هستند، و باز سوال شد که آیا گوشت آنرا بخورد؟ جواب فرمود: این را نمی گوییم که همه گوشت را بخورد و چیزی را صدقه ندهد.

(رأی) نزدیکتر به صواب آنست که عقیقه را بر قربانی قیاس نمود، زیرا عقیقه ذبحی مشروع و غیر واجب است مثل قربانی، وانگهی (حیوان) عقیقه در صفت و سن و اندازه و شروط مشابه قربانی است پس در مصرف نیز مشابه آن خواهد بود..» (المعنی 9 / 366) .

امام شوکانی در کتاب «نیل الأولطار » (5 / 231) آورده: «آیا آنچه در قربانی شرط شده در عقیقه هم شرط است؟ شافعیه در این مورد دو دیدگاه دارند، و استدلال شده بر اینکه در عقیقه دو گوسفند (برای ذبح) است و این دلیل بر عدم اشتراط است، و این سخن حق است».

همچنین فرقهایی بین عقیقه با قربانی ذکر کرده اند که دلالت بر عدم تشابه این دو در همه چیز هستند.

و بطور کلی در سنت نبوی طریقه مشخصی برای توزیع گوشت عقیقه وارد نشده است، وانگهی هدف از عقیقه تقرب الى الله با ریختن خون حیوان به شکرانه نعمت الهی (تولد نوزاد) است، با این وجود می توان گوشت عقیقه را هم هدیه داد و هم صدقه نمود، و یا فقط اهل خانواده از آن بخورند، و یا قسمتی را خود بخورند و قسمتی را توزیع کنند، و این نظر ابن سیرین رحمه الله است.

و از بعضی از سلف صالح مثل جابر بن عبد الله رضی الله عنہ روایت شده که تمام گوشت عقیقه را طبخ می کردند، حتی آن قسمتی که صدقه داده می شد، و عطاء بن ابی رباح درباره عقیقه می گفت: «یقطع آرابا آرابا، و یطبخ بماء وملح ، و یهدی فی الجیران». یعنی: «اعضای اصلی بدن آن قطع شود (مثل دست و پا)، و با آب و نمک طبخ داده شود و بین همسایگان پخش شود». روایت بیهقی در سنن (19827).

و از عایشه رضی الله عنہا روایت شده که درباره گوشت عقیقه گفت: «يُجْعَلُ جُذُولًا، يُؤْكَلُ وَيُطْعَمُ». یعنی: «اعضای آن قطع می شود، و از آن خورده می شود و صدقه داده می شود». روایت ابن ابی شيبة (532/5).

شیخ ابن باز می گوید: «کسی که عقیقه کرده مختار است؛ اگر خواست گوشت آنرا بین نزدیکان و دوستان و فقراء توزیع کند، و اگر خواست گوشت آنرا طبخ کند و هرکس را که خواست از نزدیکان و همسایگان و فقراء دعوت کند ..» (مجموع الفتاوى 262/4).

و شیخ ابن عثیمین گفته: «هم از گوشت آن بخورد، و هم هدیه دهد، و هم صدقه دهد، و مقدار مشخصی لازم نیست که رعایت شود، آن مقدار که مقدور بود از آن بخورد، و آن

مقدار که مقدور بود هدیه کند و صدقه دهد، و اگر خواست نزدیکان و دوستانش را (برای صرف گوشت عقیقه) دعوت کند، چه در داخل شهر یا خارج شهر، ولی در اینحالت لازمست مقداری هم به فقیر بدهد، و ایرادی ندارد که گوشتش را طبخ نموده یا بصورت خام توزیع کند، امر در آن وسعت دارد » (مجموع فتاوی 206/25).

به هر حال اگر کسی از گوشت عقیقه چیزی را پخش نکند، عقیقه درست است، برخلاف قربانی که بایستی قسمتی از آنرا توزیع کرد.

اهدای شیرنی عوض عقیقه:

قبل از همه باید گفت که توزیع شیرنی برای تولد نوزاد جای عقیقه را نمی توان گرفت . امام ابن قیم رحمه الله می گوید:

«ذبح حیوان عقیقه از صدقه دادن پول آن افضلتر است، حتی اگر پول از ارزش حیوان بیشتر باشد، زیرا هدف از عقیقه؛ ذبح حیوان و ریختن خون است، و این عبادتی مقرن به نماز است، چنانکه الله تعالی فرموده: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأْنْحِرْ» (الکوثر / 2). پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. و می فرماید: «فُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره الانعام / 162. بگو: «نماز و ذبیحه‌ی من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است». (تحفة المودود بآحكام المولود، صفحه 164).

همچنین از هیئت دائمی افتقاء در مورد پرداخت پول بجای ذبح عقیقه سوال شد، آنها جواب دادند: «باید بجای نوزاد مذکور دو گوسفند، و نوزاد دختر یک گوسفند ذبح کند، و پرداخت پول یا همانند آنها جایز نیست». (اللجنة الدائمة 11/449).

بنابراین اگر کسی بجای ذبح حیوان عقیقه، پول یا هدایا یا شیرنی را به همسایگان و اقارب هدیه بدهد، عمل او بر خلاف سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است، البته ارسال پاکت جهت دعوت کردن مردم ممانعتی ندارد، زیرا این امر داخل در عرف و عادت است ولی نباید در آن اسراف و تبذیر شود، ولی سنت صحیح آنست تا برای پسر دو (یا یک) گوسفند همسن، و برای دختر یک گوسفند، ذبح شود و سپس گوشت آنرا بین همسایگان و اقارب توزیع کند و یا آنها را دعوت نموده از گوشت آن حیوان بدانها خوراک دهد.

تبریکی نوزاد:

یکی از حقوق ایکه والدین نوزاد بالای اقارب و دوستان دارد اینست که برای مادر و پدر طفل در به دنیا اوردن طفل جدید تبریکی عرض نماید و این تبریک گفتن یک رسم قرآنی بوده طوریکه در آیه 7 سوریه مریم آمده است : «يَرْكَرِيًّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِعِلْمٍ أَسْمَهُ يَحْيَى» (ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم).

همچنان می فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلِئَةُ يَمْرِيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ أَسْمَهُ الْمَسِيْحُ عِيسَى أَبْنُ مَرِيْمَ» (آل عمران: ۴۵)

(فرشتگان گفتد: ای مریم! الله تو را به کلمه ای از جانب خود بشارت می دهد که نام او مسیح است عیسی فرزند مریم).

پس با تأسی به ملائکه الله که پیامبران (علیهم السلام) را بشارت فرزند داده اند باید به والدین بشارت و تهنئت مهمان جدید داده شود زیرا دین اسلام هیچ مناسبی را نگذاشته

است مگر اینکه پیروانش را به همدردی و همبستگی در همه برنامه‌های خوشی و غم امر نکرده باشد تا بنای جامعه اسلامی قوی و پایدار باقی بماند.

مژده و بشارت تولد فرزند به دیگران سبب تقویت محبت، استحکام روابط و گسترش مهر و عطوفت بین خانواده‌ها می‌گردد. لذا شایسته است به این امر عنایت خاصی نموده و به ایشان نوید دهیم. در صورتی که توفیق نیافرتم به آن‌ها بشارت دهیم، شایسته است به آن‌ها تبریک بگوییم. فرق بین این دو این است که بشارت یعنی خبر تولد فرزند یا هر خبر خوشی که مؤمن را خوشحال نماید به او بدھیم، ولی تبریک و تهنیت یعنی برای او دعای خیر کنیم.

لذا زمانی که مورد قبول حق واقع شدن توبه کعب بن مالک رضی الله عنہ و یکی دیگر از یاران پیامبر نازل گردید، فردی سریعاً به او بشارت داد که توبه‌های پذیرفته شده و مردم با ورود کعب به مسجد به او تبریک و تهنیت می‌گفتند. کعب بن مالک رضی الله عنہ زمانی که از تخلف خود در غزوه تبوك یاد می‌نمود چنین می‌گفت:

« سَمِعْتُ صَوْتَ صَارِخٍ أَوْفَى عَلَى سَلْعٍ يَقُولُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا كَعْبَ بْنَ مَالِكٍ أَبْشِرْ قَالَ فَخَرَّجْتُ سَاجِدًا وَعَرَفْتُ أَنْ قَدْ جَاءَ فَرَجْ قَالَ فَادْنِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ بِتُوبَةِ اللَّهِ عَلَيْنَا حِينَ صَلَّى صَلَاتَ الْفَجْرِ فَذَهَبَ النَّاسُ يُبَشِّرُونَا فَذَهَبَ قَبْلَ صَاحِبِيَّ مُبَشِّرُونَ وَرَكَضَ رَجُلٌ إِلَيَّ فَرَسَا وَسَعَى سَاعَ مِنْ أَسْلَمَ قِبْلَيِّ وَأَوْفَى الْجَبَلَ فَكَانَ الصَّوْتُ أَسْرَعَ مِنَ الْفَرَسِ فَلَمَّا جَاءَنِي الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ يُبَشِّرُنِي فَزَعَتُ لَهُ ثُوبِيَّ فَكَسُوتُهُمَا إِيَّاهُ بِبِشَارَتِهِ وَاللَّهِ مَا أَمْلَكُ غَيْرَهُمَا يَوْمَئِذٍ وَاسْتَعْرَثُ ثَوْبِيْنِ فَلَبِسْتُهُمَا فَانطَلَقْتُ أَتَامَمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَلَاقَنِي النَّاسُ فَوْجًا فَوْجًا يُهَنُّوْنِي بِالتُّوبَةِ وَيَقُولُونَ لِتَهْنِكَ تُوبَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ حَتَّى دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ النَّاسُ فَقَامَ طَلْحَةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ يُهَدِّرُوا حَتَّى صَافَحَنِي وَهَنَّأَنِي وَاللَّهِ مَا قَامَ رَجُلٌ مِنِ الْمُهَاجِرِينَ غَيْرُهُ قَالَ فَكَانَ كَعْبٌ لَا يُنْسَاهَا لِطَلْحَةَ، قَالَ كَعْبٌ: فَلَمَّا سَلَّمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ يَبْرُقُ وَجْهُهُ مِنَ السُّرُورِ وَيَقُولُ أَبْشِرْ بِخَيْرٍ يَوْمَ مَرَّ عَلَيْكَ مُذْ وَلَدْتُكَ أَمْكَ.»

از ندا دهنده‌ای شنیدم که بر کوه سلع بالا آمده و با صدای بلند می‌گفت: ای کعب! تو را مژده باد! من در همان حال به سجده‌ی (شکر) افتادم و دانستم که گشايش و فرجی حاصل شده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از نماز صبح مردم را از این‌که خداوند عزوجل توبه مرا پذیرفته است، باخبر ساخت و مردم برای نوید و مژده دادن به من از مسجد خارج شدند. عده‌ای از بشارت دهنگان به طرف دو رفیق رفتند و مردی (زبیر بن عوام رضی الله عنہ) سوار بر اسب با سرعت به سویم روانه شد، ولی مردی از قبیله اسلم (حمزه بن عمر الاسلامی رضی الله عنہ) دوید، از کوه بالا رفت و به من مژده داد. صدای او را قبل از سواره شنیدم. چون این شخص (حمزه اسلامی رضی الله عنہ) مژده دهنده به نزد آمد، در مقابل مژده‌اش هر دو لباس را بیرون آورده و بر وی پوشاندم. قسم به خدا! در آن لحظه چیزی به جز آن دو جامه نداشتمن و دو جامه‌ی دیگر به عاریت گرفته و پوشیدم و به قصد دیدار پیامبر صلی الله علیه وسلم به راه افتادم. مردم گروه گروه از من استقبال کردند و به خاطر قبول شدن توبه‌ام به من تبریک عرض کرده و می‌گفتند: قبولی توبه‌ات از سوی خداوند عزوجل مبارک باد!

به مسجد رسیدم و پیامبر صلی الله علیه وسلم را در حالی که مردم در اطرافش نشسته بودند، دیدم.

طلحه بن عبد الله رضي الله عنه به سرعت نزد من آمد و با من مصافحة نموده و تبریک گفت. هیچ یك از مهاجرین غیر از او از جایش بلند نشد و کعب این کار طلحه رضي الله عنه را هرگز فراموش نکرد. کعب گفت: وقتی به پیامبر صلی الله عليه وسلم سلام کردم، در حالیکه چهره مبارکش از شادی می درخشید فرمودند: این روز بر تو خوش باد! زیرا از زمانی که از مادرت متولد شده ای، این روز بهترین روزی است که بر تو گذشته است.

دعای تبریک و تهنیت برای نوزاد:

هنگامی که نوزادی متولد می گردد حسن بصری به آنها چنین تبریک می گفت: «**جَعَلَهُ اللَّهُ مُبَارَكًا عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**» امام نووی در اذکار این دعا را نیز نقل کرده است: «**بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي الْمُؤْهَبِ لَكَ، وَ شَكَرْتَ الْوَاهِبَ، وَ بَلَغَ أَشْدُهُ، وَ رُزِقْتَ بِرَهْ**» «خداؤند در آنچه به تو عنایت کرده برکت قرار دهد و شکر خداوند بخشنده را بجا آور و نوزاد را قدرت زیادی دهد و از نیکی و فضل خدا بهره مند شدی» و شخص مقابل در جواب می گوید: «**بَارَكَ اللَّهُ لَكَ وَ بَارَكَ عَلَيْكَ، وَ جَزَاكَ اللَّهُ حَيْرَاً، وَ رَزَقْكَ اللَّهُ مِثْلَهُ، وَ أَجْزِلْ ثَوَابَكَ**» «برکت خداوندی بر تو و برای تو باد! خداوند به تو پاداش نیک عطا کند و همانند این، روزی و نصیبت کند و ثوابت را بیشتر کند.»

وظایف مستحبه در حق نوزاد:

اول :

تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد):

در مورد مالیین خرمای جویده شده به کام طفل نوزاد حدیثی داریم که : ابو موسی رضی الله عنه آنرا روایت فرموده اند : « ولد لی غلام فدتیت به للنبی صلی الله علیه وسلم فسماء ابراهیم، فحنکه بتمرة و دعا له بالبرکة و دفعه إلى و کان أكبر ولد أبي موسی»

عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ وُلَدٌ لِيْ غُلَامٌ فَأَنْتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمَّاهُ إِبْرَاهِيمَ وَحَنَّكَهُ بِتَمْرَةٍ .

(صحیح مسلم کتاب ۲۵ حدیث ۵۳۴۳)

«خدا پسری به من داد او را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بردم، او را ابراهیم نام نهاد و با خرمایی کامش را شیرین کرد و برایش دعایی برکت کرد، سپس اورا به من برگرداند، او بزرگترین فرزند ابو موسی بود». متفق علیه: بخاری (9/587/5467)، این لفظ بخاری است، مسلم (3/1690/2145)، مسلم در این حدیث جمله (و دعا له) را ذکر نکرده است.

دوم :

- تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و به وزن موی سرش نقره، صدقه دادن مستحب است، ولی قابل تذکر است که این امر واجب نمی باشد ، بنابراین اگر والدین این صدقه را انجام ندادند، گناهی بر آنان نیست.

ترمذی در سنن خود از حدیث علی رضی الله عنه آورده : «**عَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ شَاهِ وَقَالَ يَا فَاطِمَةُ احْلِقِي رَأْسَهُ وَتَصَدِّقِي بِزِنَةَ شَعْرِهِ فَضَّلَّهُ فَكَانَ وَزْنُهُ دِرْهَمًا أَوْ بَعْضَ دِرْهَمٍ**» ترمذی (1519) وحسنہ الشیخ الالبانی فی صحیح الترمذی.

یعنی : «رسول خدا صلی الله علیه وسلم گوسفندی را بمناسبت تولد حسن ذبح نمود، و به دخترش فاطمه فرمود : موی سرش را بتراش و هم وزن آن نقره صدقه بده، فاطمه موی سرش را (بعد از تراشیدن) وزن نمود که مقدار یک درهم یا کمتر وزن داشت».

اما اگر والدین به هر دلیلی موی سر پسر خود را نتراشیدند، می توانند وزن موی بچه خود را تخمین زنند و هم وزن آن نقره صدقه کنند (و یا معادل وزن نقره، پول صدقه کنند).

در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «جمهور یعنی مالکیه و شافعیه و حنابله گفتند : تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم تولدش مستحب است، که در این میان مالکیه و شافعیه گفتند : هم وزن آن نقره یا طلا صدقه شود، ولی حنابله گفتند نقره صدقه شود. و اگر موی سر تراشیده نشد، تخمین زده شود و صدقه دهد، و وقت تراشیدن بعد از ذبح عقیقه باشد ..». (الموسوعة الفقهية) (107/26)

امام نووی می گوید : «بدان! این (حدیث علی رضی الله عنہ) از طرق بسیاری روایت شده که بیهقی آنها را ذکر کرده است، همه (طرق حدیث) متفق هستند که هم وزن (موی سر) نقره صدقه شود، و در هیچکدام ذکری از طلا نشده، برخلاف کسانی از یاران ما (شافعیه) که بدان معتقدند (یعنی معتقدند می توان هم وزن آن طلا هم صدقه داد)» (شرح المذهب) (414/8).

وشیخ ابن عثیمین می گوید : «تراشیدن موی سر پسر در روز هفتم سنت است، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد وارد شده : «موی سر تراشیده شود و هم وزن آن نقره صدقه شود»، اما بشرطیکه کسی که موی سر را می تراشد ماهر و حاذق باشد، و سرش را مجروح نکند، و (با تراشیدن) ضرری بر بچه نرسد، اگر اینها موجود نبود، بنظرم نباید سر را تراشید، در عوض هم وزن موی سرش نقره صدقه شود» (لقاء الباب المفتوح) (120).

خلاصه اینکه: سنت است موی سر نوزاد را در روز هفتم تراشید و هم وزن موی تراشیده شده نقره صدقه داد، اگر با وجود عذر یا بدون عذر موی سر بچه تراشیده نشد، می توان وزن مویش را تخمین زد و به آن اندازه نقره صدقه داد.

سوم:

- ختنه کردن در روز هفتم:

به دلیل حدیثی که طبرانی در (المعجم الصغیر) از جابر روایت کرده که گفت : (أن رسول الله صلی الله علیه وسلم عق عن الحسن و الحسین و ختنهما لسبعة أيام) پیامبر صلی الله علیه وسلم برای حسن و حسین عقیقه داد و در روز هفتم آنها را ختنه کرد».

و به دلیل حدیثی که طبرانی در (الأوسط) از ابن عباس روایت کرده که گفت : (سبعة من السنة في الصبى يوم السابع : يسمى، ويختن، ويماط عنه الأذى، وتثقب أذنه، و يعوق عنه، ويحلق رأسه، ويبلطخ بدم عقیقه)، و یتصدقه بوزن شعر رأسه ذهباً أو فضة) «هفت چیز در روز هفتم تولد سنت است : نامگذاری، ختنه، برداشتن اذیت از او، سوراخ کردن گوش (برای دختران)، دادن عقیقه، تراشیدن موی سر، آغشته کردن او به خون عقیقه (آنچه لازم به یادآوری است این است که از آغشته کردن نوزاد به خون عقیقه نهی شده است.)، و به وزن موی سرش طلا یا نقره صدقه دادن».

آذان و اقامت در گوش طفل:

راجع به آذان و اقامت در گوش نوزاد بین علماء اختلاف نظر وجود دارد عده‌ی آنرا مستحب می‌دانند در حالیکه بعضی دیگری دلایل حکم آنرا ضعیف تلقی کرده و عمل به آنرا ناجایز قرار داده اند.

یکی از حکمت‌های که برخی از علمای اسلامی در گفتن آذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد بدان استدلال مینمایند اینست که به زعم شان میخواهند بدین وسیله اولین ندایی آسمانی را بر گوش نوزاد وارد سازند.

در این جای شک نیست که انسان با گفتن شهادتین وارد دایره‌ی اسلام می‌شود. و همینکه نوزاد در این دنیا جدید وارد می‌شود، شعار با عظمت اسلام یعنی در گوش راست آذان و در گوش چپش شعار اقامه داده می‌شود. و به اصطلاح شعار اسلام به او تلقین می‌گردد، همان طوری که در وقت جانکندن و رفتن از این دنیا کلمه‌ی توحید به او یادآوری می‌شود.

در حدیثی آمده است که :- «وَ مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ». (هر کس آخرین کلمه‌اش لا اله الا الله باشد، به جنت خواهد رفت).

علماء استدلال می‌اورند که؛ با درنظرداشت اینکه طفل نوزاد توانایی درک آذان را ندارد لیکن ادای این کلمات ذیقیمت و مجلل بر قلب طفل اثر می‌گذارد.

در حدیث متبرکه در مورد یکی از فواید آذان آمده است :

«ان الشیطان اذ سمع النداء هرب» هر زمانیکه شیطان صدای آذان را می‌شنود فرار می‌کند. در وقت آذان بر شیطان خوف و هیبت طاری گردیده با حواس پریشان فرار می‌نماید، و تا جائیکه صدای آذان شنیده شود هر گز نمی‌ایستد. (روای حدیث بخاری و مسلم است) .

شیطان که منتظر تولد نوزاد است تا در اولین لحظات او را گمراه نموده و از جاده‌ی مستقیم منحرف سازد، کلمات آذان و اقامه پلان شوم شیطانی و ابليس او را ضعیف و نامید می‌سازد. بنابراین فرزند در ابتدای تولد دعوت به سوی الله دعوت بسوی توحید و در نهایت امر دعوت به دین مقدس اسلام می‌گردد ، قبل از اینکه شیطان خبیث اورا وسوسه های خویش او را به سوی شر و بدی دعوت نماید.

احادیثی واردہ در این مورد:

تعداد علمای که بر ادای آذان و اقامه در گوش طفل نوزاد تاکید میدارند به این احادیث استدلال میدارند .

-عن أبي رافع عن أبيه قال : «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَذْنَ فِي أَذْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَّاةِ»

(مسند احمد ۶/۹، و ابو داود (۵۱۰۵)، و الترمذی ۵/۱۰۷ و گفت: این حدیث صحیح است .

(از ابی رافعی روایت است که: هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنہ را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوش شان آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می‌شود).

- همچنان در حدیثی که از عمر بن عبدالعزیز وارد شده آمده است: «در گوش راست نوزاد آذان و در چپش اقامت می‌گفت» (این حدیث در مصنف عبد الرزاق تحت شماره ۷۹۸۵) و در شرح السنّة از بغوی ۱۱/۷۳.

- همچنان ابن السنی از حسن بن علی و او از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ وُلِدَ لَهُ وَلَدٌ فَأَذَنَ فِي أَذْنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْيُسْرَى لَمْ يَضُرُّهُ أُمُّ الصِّبِّيَّانِ» (کسی که نوزادی برایش متولد شد، سپس در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوید، ام صبیان به او ضرری نمیرساند). اما این حدیث را علماء ضعیف قرار داده اند طوریکه شرح آن بعداً توضیح میگردد.
«أُمُّ الصِّبِّيَّانِ» عبارت از همان جن، یا شیطانی ساختگی که گویا طفل نوزاد را مورد اذیت قرار می‌دهد.

یادداشت ضروری:

قبل از همه باید گفت حدیث ایکه «در مورد آذان در گوش راست واقمه در گوش چپ ودفع ضرر جن وشیطان بنام «أُمُّ الصِّبِّيَّانِ» ذکر یافته، از جمله احادیث موضوع (ساختگی) میباشد. (ابن سنی باب ما يعمل بالولد اذا ولد رقم 624)

- طوریکه الهیثمی در مورد این حدیث می فرماید: در حدیث راوی بنام مروان بن سالم الغفاری وجود دارد که وی از جمله متروک احادیث است. مراجعه شودبه(مجموع الزوائد 4/59).

همچنان این حدیث را امام النووی فی الأذکار صفحه 286 و المناوي فی فیض القدیر 309/6، ذکر نموده که تفصیل آنرا ملاحظه فرماید.

همچنان در مورد ضعیف بودن این حدیث مراجعه نماید به: إرواء الغلیل رقم 1174 - سلسلة الأحادیث الضعیفہ رقم 321

بنآ بصورت کل گفته میتوانیم که: نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم حکم تحریم دارد و هیچ حدیث صحیحی دلیل بر وجود چنین جنی بنام (أُمُّ الصِّبِّيَّانِ) در احادیث وارد نشده است - و الله اعلم.

یادداشت حکمی:

در مورد اقامه گفتن در گوش چپ، هیچ دلیل صحیح وجود ندارد، ولی بعضی از علماء با قیاس بر اذان، اقامه گفتن در گوش چپ را کاری شایسته می‌دانند. و همان حدیث رافعی که از پدر خود روایت فرموده است، و در فوق تذکر یافت دلیل می‌اورند: «أَذْنَ فِي أَذْنِ الْحَسْنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ» (هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنہ را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوشش آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می‌شود).

خواننده محترم!

هستند علمای که اذان در گوش راست واقمه در گوش چپ طفل نوزاد ، مستجبه می دانند ، ولی در مقابل هستند تعدادی کثیری از علماء که اجرای اذان را در گوش طفل نوزاد حتی مشروع هم نمیدانند، واستد لال میاورند که همه احادیث وارد در این باب از جمله احادیثی ضعیف میباشد .

ولی برخی از علماء مدعی هستند که می توان در فضایل اخلاق (البته بنا بر شرایطی)

عمل نمود و لذا خواندن اذان در گوش نوزاد را مستحب می دانند! ولی حقیقت آنست که مادامیکه حدیث ضعیف باشد نمی توان آنرا شرع دانست و عمل بدان بدعت است هر چند که شخصی آنرا در حق خود عمل کند.

شیخ سلیمان بن ناصر العلوان یکی از علمای شهیر کشور عربستان سعودی طی فتوای می فرماید :

« حدیث وارد در مورد اذان در گوش طفل نوزاد ثابت نیست ... و در این باب حدیثی به صحت نرسیده است بنابراین خواندن اذان یا اقامه در گوش نوزاد غیرمستحب است. و احکام شرعی از واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات، اقامه نخواهد شد مگر با وجود ادله صحیح و اخبار ثابت شده»

همچنین شیخ ابن عثیمین رحمه الله در جواب یک سوال فرموده است : سوال : «آیا اذان در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ وی در روز هفتم صورت می گیرد یا در روز اول؟ در چه روزی باید صورت گیرد؟!»

جواب شیخ ابن عثیمین :

«اولاً لازم است بپرسیم: آیا اصلاً این قضیه جزو امور مشروع است یا خیر؟ زیرا احادیث وارده در مورد آن قوی نیستند، بالخصوص در مورد اقامه، و کسی که آن احادیث را صحیح می داند می گوید: باید در هنگام تولد باشد!» (مراجعه شود : لقاء الباب المفتوح (24/60)).

شیخ خالد بن علی المشیقح مفتی سرشناس کشور سعودی :

شیخ خالد بن علی المشیقح بتاریخ : (۸ صفر ۱۴۳۲ (۲۰۱۲/۱/۲) طی جواب سوال یکی از سوال کنندگان فرموده است :

السؤال:

ما هو حكم الآذان والإقامة في آذان المولود بعد ولادته؟ هل هو سنة مشروعة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أم لا؟

الإجابة:

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد: حكم الآذان والإقامة في آذن المولود غير مشروع لأن الوارد في ذلك حدیث ضعیف لا یثبت عن النبی صلی الله علیه وسلم.

سؤال :

حكم اذان و اقامه گفتن در گوشهاي طفل نوزاد بعد از ولادتش چيست؟ آیا این عمل جزء سنت مشروعه رسول خدا صلی الله علیه (و آله) و سلم است یا خیر؟

جواب:

«... حکم اذان و اقامه در گوش نوزاد مشروع نیست (شرع احرام است) چون حدیثی که در این مورد وارد شده حدیث ضعیفی است که ثابت نشده از پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد .».

فتوای شیخ بن باز:

شیخ بن باز رحمة الله علیه طی فتوای در مورد گفتن اذان و اقامه در گوش طفل نوزاد می فرماید :

« اذان باید در روز هفتم تولد صورت گیرد و البته اگر این عمل (اذان در گوش نوزاد

ترک شود ایرادی بر آن نیست، از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نشده است که ایشان در گوش نوزاد پسر یا دختر اذان گفته باشند» همچنان از وی در برخی احادیث - که بعضی از عوامل ضعف نیز در آنها موجود است- آمده که در گوش (راست) نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خوانده است پس اگر کسی این کار را در حق طفل نوزاد انجام دهد اشکالی بر آن نیست، و عمر ابن عبدالعزیز نیز چنین عمل کرده و جماعتی از اهل علم آنرا بدون اشکال دانسته اند، و اگر این عمل ترک شود و نوزاد را بدون گفتن اذان و اقامه در گوشش اسم گذارند نیز ایرادی ندارد، چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسش ابراهیم را بدون اذان و اقامه برایش اسم گذاشت، و بعضی از اولاد صحابه را در روز هفتم اسم می گذاشت بدون اینکه اذان و یا اقامه در گوش آنها بخواند و بعضی را نیز در روز اول اسم می گذاشت و اسم پرسش را در روز اول نام نهاد و اشکالی در این امر نیست، و ایرادی ندارد که اسم نوزاد را در روز اول گذاشت یا در روز هفتم، و همچنین هیچ ایرادی ندارد که در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خواند، و هیچ اشکالی بر آن نیست و سنت است که در روز اول یا روز هفتم بر نوزاد اسم گذاشت» (شیخ ابن باز)

یادداشت ضروری:

بنآ بصورت کل گفته میتوانیم که: اگر کسی عمل گفتن آذان در گوش راست واقمه در گوش چپ طفل نوزاد را انجام دهد و یا هم اینکه آنرا ترک کند، در هر دو صورت اشکالی و ممانعتی ندارد.

منابع و مأخذ ها :

- مجمع الزوائد و منبع الفوائد (المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807هـ))
 - فتاوى اللجنة الدائمة
- نيل الأوطار (الا مام محمد الشوكاني 1173هـ - 1250هـ ، 1759هـ - 1834هـ)
- المغنی لابن قدامه مولف أبو محمد موفق الدين عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلی، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)
- تحفة المؤود بآحكام المولود المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ)
 - بخاری ، مسلم
 - فتاوى شیخ ابن باز
 - فتاوى شیخ ابن عثیمین رحمه الله

فهرست موضعات مندرج :

- عقیقه و احکام آن
- فضیلت عقیقه
- عقیقه پسر و دختر
- عقیقه مستحب است یا واجب
- وقت ذبح عقیقه
- توزیع گوشت عقیقه
- اهادی شیرینی عوض عقیقه
- تبریکی نوزاد
- دعای تبریک و تهنیت برای نوزاد
- وظایف مستحبه در حق نوزاد
- تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد)
- تراشیدن موی سر نوزاد
- ختنه کردن در روز هفتم
- آذان واقامت در گوش طفل
- احادیثی واردہ در این مورد
- یادداشت های حکمی

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

تبغ ونگارش : امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
ومسؤول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی
مهتمم : دکتور صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
صحح: فضل احمد
ادرس: saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library